

مصونیت مستشاران آمریکایی

امیرفیض- حقوقدان

درتحریر(موضوع دومیلیارد دلاروحکم دیوان عالی آمریکا مورخ ۲۷/۲/۲۰۱۶) ^۱ ضرورت موضوعی بود که به کنوانسیون بین المللی مصونیت قضائی کشورها اشاره ای بشود که شد. درپایان آن اشاره اضافه شده <فراموش نکنیم که همین موضوع بود که مینی از آن بنام بازگشت کاپیتالاسیون یاد کرد>

اهمیت اظهارات خمینی نسبت به کاپیتولاسیون وتاثیر آن درشورش ۵۷ فصلی نیست که آن اشاره موجز درتحریر، حق آنرا ادا کرده باشد خاصه به اینکه یک تحریرباید درحدی جامع باشد که خواننده آن به دردمستحقیق وپرس وجو نیفتد. در آن تحریر، به ملاحظه موضوع رکنی آن که رای دیوان عالی آمریکا بود آن کار لازم مراعات نشد؛ اکنون با عذرخواهی قابل قبول، باتفاق به بحث در آن وجبران کمبود، وارد میشویم.

سابقه امر

درسال ۱۳۶۸ (۲۵۲۸) مصادف با سالگرد زاد روز شاهنشاه ایران سنگر۳۳۲+۵۲ مقاله ای داشت تحت عنوان (دفاع ازحیثیت - لایحه مصونیت مستشاران آمریکائی وشاهنشاه آریامهر).

مستند تحریرحاضر بخش هائی ازهمان مقاله است واین تحریر سعی خواهد کرد که ازمقاله آن سنگر بنحوی استفاده وبه این تحریر منتقل گردد که نیاز مراجعه به سنگرمزبور نباشد وهمچنین کوشش خواهد شد که مقاله ۱۰ صفحه ای وفشرده سنگردردمکن و بدون آسیب، متراکم ومختصرشود.

علت انتخاب موضوع مقاله

علت اینکه بمناسبت زادروزشاهنشاه درسال ۶۸ (۲۵۲۸) از هنگامه ورود کوروش به بابل) موضوع مزبور انتخاب گردید شاید گفتنی وشاید هم شنیدنی باشد.

در سال ۶۸ با آنکه شورشیان درجه اول تاحدودی تعرض به شاهنشاه آریامهر را پایان داده و باب استفاده از لایحه مصونیت را مسدود ساخته بودند ولی بختیار و آدمهای اوخاصه درلوس آنجلس دست بردار نبودند و هر جا فرصتی مییافتند و یا قافله راتنگ میدیدندمیزدند به لایحه مزبور ونوشته اند و مینوشتند:

>محمد رضاشاه کاپیتولاسیون رابه ایران بازگردانید، اگر پدرش به اشاره انگلستان کاپیتولاسیون را لغو کرد فرزندش آنرا مجددا برقرار نمود، واگرمیمانده همه خارجیان کشورهای جهان رامشمول آن میساخت-.

>من میخواهم این اندیشه رابپرورانم تانسل جوان آگاه شود که سلطنت پهلوی ها درطول ۵۰ سال چه ویرانی هائی بیارآورده است<

(پیام ایران بختیار - احمد انواری شماره ۲۴۵)

واقعیت لایحه مصونیت مستشاران آمریکایی

دفاع از حیثیت و یارد اتهام، وقتی نافذ وازصالت برخورداراست که درپهنه های حقیقت جریان داشته باشد وبه کلامی دیگر نخست حقیقت ازتاروپود شایعات وتردید ها بیرون آورده شود وسپس ازکسانی که مورد اتهام ویاسبب کسرحیثیت آنان شده است رفع اثرویا توجه اتهام گردد.

این تحریرمایل است درمسیر موضوعاتی کنجاو باشد که بتواند موضوع مقاله سنگرسال ۶۸ راکه اعاده حیثیت ودفاع ازشاهنشاه ایران است به حدکمال برساند.

منابع تحریر حاضر

منابع تحریر حاضر، همان محتویات مقاله سنگرسال ۶۸ است با اشارات اضافی وکسر آنچه که به اختصارِ تحریر کمک مییابد. پس توجه این تحریر معطوف است به:

← لایحه قانونی مصونیت قضائی مستشاران آمریکا وبارتاسف آور آن

← تصویب لایحه قانونی مصونیت قضائی مستشاران آمریکائی درمجلس

← لایحه قانونی مصونیت قضائی مستشاران آمریکائی وحقوق اسلامی

← مسئولیت، در لایحه قانونی مصونیت قضائی مستشاران آمریکائی

← آشنائی با لایحه قانونی مصونیت قضائی

← مستشاران آمریکائی

درتاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ = ۲۵۰۰ (۲۹ فروردین ۱۳۴۰) قراردادی بین **کشورهای جهان** درباره روابط سیاسی و مصونیت قضائی **مامورین سیاسی** کشورها به امضا رسید که چون محل انعقاد آن وین بود به قرارداد وین موصوف گردید. درمقدمه این قرارداد آمده است:

با تذکر این معنا که همه مردم کشورها از دیرباز قائل به نظامات خاصی در مورد نمایندگان سیاسی کشورها میباشند (۱)، با معرفت به مقاصد و اصول منشور ملل متحد درباره تساوی مطلق دولتها و حفظ صلح و امنیت بین المللی و توسعه روابط دوستانه بین ملتها:

(۱)- اشاره مقدمه قرارداد وین به سابقه اجرائی مصونیت قضائی بین کشورها موضوعی بسیار قابل اهمیت است و بدان معناست که قرارداد وین، نظم حقوقی دادن به عرف و روشی است که بین کشورهای جهان از سالها قبل وجود داشته و در سال ۱۹۶۱ همان عرف بین المللی مدون شده است (تاریخ عثمانی نشان میدهد که در سال ۱۵۳۵ مصونیت سیاسی خارجیان در کشور اسلامی عثمانی جریان داشته است).

ایران به اعتبار همان عرف بین المللی در سال سوم سلطنت رضاشاه بزرگ در جریان اجرای عرف بین المللی مصونیت قضائی و سیاسی نمایندگان کشورها قرار گرفت و وزیر عدلیه وقت طی بخشنامه ای به کلیه محاکم دستور داد که از قبول دعوا اعم از حقوقی و یا کیفری علیه نمایندگان سیاسی دول خارج امتناع کنند و اضافه شده این بخشنامه بعلت مصونیت خاص نمایندگان سیاسی خارجی و عدم امکان دعوا علیه آنان صادر شد > (۱۱ تیرماه ۱۳۰۷ نقل از جلد اول گاهنامه شاهنشاهی)

گردش اداری لایحه مصونیت قضائی در ایران

قبل از اینکه قرارداد بین المللی وین در تاریخ ۲۱ مهرماه ۱۳۴۳ = ۲۵۰۳ بتصویب مجلسین برسد مکاتباتی بین وزارت خارجه آمریکا و ایران در مورد مصونیت قضائی جریان داشته که برخی از آن نامه ها در همان سنگرسال ۶۸ منعکس شده که بعلت گذشت بیست و چند سال بسیار کمرنگ و ممکن نشد که در حالت قابل استفاده به این تحریر منتقل شود این است که مطالب آنها مورد استفاده و استناد قرار میگیرد.

🔹 وزارت خارجه آمریکا از طریق سفارت خود در تهران ضمن نامه شماره ۲۰۳ مورخ ۲۲ اکتبر ۱۹۶۲ از دولت شاهنشاهی ایران تقاضا میکند که هیئت مستشاران نظامی آن کشور مشمول مصونیت های مقرر در قرارداد وین گردند.

در نامه ای که وزارت خارجه شاهنشاهی ایران در پاسخ درخواست وزارت خارجه آمریکا بشماره ۸۸۰۰ تاریخ ۱۳۴۱/۱۲/۲۰ نوشته و متن آن در سنگرموصوف درج است. وزارت خارجه ایران با درخواست وزارت خارجه آمریکا مبنی بر تعلق مصونیت قضائی برای هیئت مستشاران نظامی آمریکا موافقت نکرده است. نامه مزبور و نامه های بعدی که در همان سنگردرج است نشان میدهد که هیئت دولت و وزارت خارجه ایران قاطعانه درخواست وزارت خارجه آمریکا را رد کرده و محدوده تسری مصونیت قضائی نسبت به مستشاران آمریکائی را همان دانسته که در قانون وین مقرر شده است.

آخرین نامه در این مورد که مورد استفاده سنگر قرار گرفته نامه شماره ۹۷۰/۲ مورخ ۴۳/۸/۱۸ است که متن نامه مزبور چنین است:



وزارت امور خارجه

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خود را به سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا اظهار و در پاسخ یادداشت شماره ۲۹۹ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۱ احتراماً به اطلاع میرساند نظریه اینکه قرارداد وین درباره روابط سیاسی مورخ ۱۹۶۱ — مراحل تصویب قانونی از مجالس مقننه ایران را گذرانده است، کارمندان و غیرنظامی آمریکائی که طبق موافقت نامه ها یا تریبیتی که بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای متحده آمریکا مقرر کرده در ایران میباشند و از طرف سفارت کبرای کشورهای متحده آمریکا بعنوان کارمندان اداری و وفنی سفارت آمریکا به وزارت امور خارجه شاهنشاهی معرفی میشوند از مصونیت ها و معافیت های موضوع بند ۲ از ماده ۳۷ قرارداد وین درباره روابط سیاسی استفاده خواهند کرد.

موضع رامغتنم شمرده احترامات فائقه خورا تجدید مینماید

درخواست وزارت خارجه آمریکا در دولت امینی و علم مورد توجه قرار نگرفت و در دولت حسنعلی منصور بود که سخت مورد حمایت دولت او قرار گرفت و آن دولت بود که قانون اجازه استفاده مستشاران آمریکائی را که خود دولت منصور حسب درخواست آمریکائیهها تهیه کرده بود، همراه و ضمیمه قانون وین که به امضای نماینده دولت شاهنشاهی قبلاً رسیده بود به مجلس آورد.

نکته کلیدی

در جریان نگاه به سیر تصویب قانون اجازه استفاده مستشاران آمریکائی از مصونیت قضائی در مجلس که تاثیر قاطعی در نتیجه گیری این تحریر دارد، توجه به دو نکته کلیدی بجاست:

نکته اول- آشنائی کلی و سیاسی نسبت به کانون مترقی

>یرخی از صاحب نظران سیاسی کانون مترقی حسنعلی منصور را وابسته به تحولات جهان غرب میدانند و بر این باور بودند که اساس و شالوده جریاناتی شبیه به کانون مترقی در ایران به بخشی از تصمیمات کلان جان اف کندی رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا باز میگشت که توجهی خاص به جوانان تحصیل کرده غربی داشت که آماده و شیفته قدرت بودند. تکیه گاه آمریکا در کشورهای ایران نخبگان سیاسی بودند که هم از نظرات اتهامات مرسوم در جوامعی مثل ایران تاحدی مبراب بودند و دیگر اینکه جوان و جاه طلب بودند و آخرینکه در وفاداری به آمریکا تردیدی وجود نداشت <

(بررسی مسائل سیاسی ایران و آمریکا)

تشبیه

شاید این تحریر مجاز باشد تا عملکرد دولت حسنعلی منصور را به اعتباراتی مشابه دولت شیخ حسن روحانی بگیرد. مقصود از تشابه وجه اشتراکی است که در دولت های مذکور ملاحظه کردنی است؛ علامت مشخصه این وجه مشترک در توجه خاص هر دو دولت به آمریکا و حل مشکلات ایران توسط آن کشور و مهمتر از آن وفاداری مطلق به دولت آمریکاست بشرحی که در بررسی مسائل سیاسی ایران و آمریکا در فوق ارائه گردید.

همانطور که شیخ حسن دوستی و تسلیم به خواست های آمریکا را از ابزار اصلی سیاست دولت خود میداند منصور هم همین عقیده را داشت؛ منصورگروهی را داشت بنام کانون مترقی که بیشتر افراد آن تحصیل کرده آمریکا مانند خودش بودند و یکسره از آمریکا طرفداری مینمودند چیزی نزدیک به عمل اصلاح طلبان که متکی به سیاست آمریکا در ایران هستند، و بقول آمریکانیها آنان سربازان آمریکا در خیابانهای تهران میباشند.

آمریکا عادتاً اینجوری است که خودش را نسبت به سایر کشورها تافته جدا بافته میداند و در هر عهدنامه ای حتی بین المللی به وضع عمومی قانع نیست و یک امتیازات فوق العاده ای میخواهد آنهم نه در ملاء عام، بل به کیفیت های مخصوص به خودش.

علائمی از تشابه عمل دولت منصور و شیخ حسن

❖ همانطور که آمریکا در مذاکرات هسته ای به حقوق مندرج در برجام برای شورای امنیت و ۱+۵ قانع نبود و یک سلطه ۲۵ ساله به ملت ایران تحمیل کرد که هیچ ارتباطی هم به تعطیل فعالیت هسته ای ایران نداشت و علت این توفیق آمریکا هم چیزی جز تسلیم پذیری و وابستگی سیاسی دولت شیخ حسن به آمریکا نبود، آمریکا در حقوقی که قرارداد وین به همه کشورها از جمله به آمریکا بطور مساوی داده بود قانع نشد و موضوع تسری آن قرارداد به مستشاران نظامی اش در ایران را نیز خواستار شد.

❖ همانطور که مجلس اسلامی گنج و گنگ در حالی که در جریان بررسی کمیسیون ویژه مجلس در مورد برجام بود، یکباره اکثریت وکلای مجلس اسلامی بنفع دولت اقدام و برجام را تصویب کردند و مخالفین در مجلس راقال گذاشتند در ماده واحده ضمیمه به قانون وین که برای مستشاران آمریکایی ایجاد مصونیت قضائی میکرد بسرعت حتی در ساعت غیر معمول مجلس و در حالیکه قرار بود موضوع به کمیسیون بررسی برود تصویب شد و مجلس در مقابل عمل انجام شده قرار گرفت.

❖ همانطور که در مجلس اسلامی کنونی اکثریت نمایندگان وابسته به اصلاح طلبان و طرفدار شیخ حسن هستند در مجلس بیست و یکم هم ۱۶۸ نماینده جزء فراقسیون کانون مترقی بودند، یعنی هر دو مجلس یکسره طرفدار دولت وابسته به آمریکا بودند.

❖ همانطور که دولتهای قبل از شیخ حسن در جمهوری اسلامی زیر بار خلع ید ایران از فعالیت های هسته ای نرفتند و این عمل بوسیله دولت شیخ حسن صورت گرفت در مورد لایحه مصونیت

مستشاران آمریکایی در ایران که بنام لایحه بازگشت کاپیتولاسیون معروف شد نیز لایحه مزبور در دولت امینی و علم بلا اقدام ماند و آنها زیربار درخواست آمریکا نرفتند تا دولت منصور سرکار آمد.

❖ همانطور که شیخ حسن و ظریف برجام را کلید موفقیت اقتصادی ایران میدانند و از آن در مجلس دفاع کردند، در دولت منصور هم چه خود منصور و چه صادق احمدی معاون پارلمانی نخست وزیر سخت مدافع لایحه مصونیت قضائی مستشاران آمریکایی بودند.

❖ همانطور که ظریف و عراقچی تلاش داشتند که مجلس به برجام وارد نشود و بدون سروصدا برجام در جریان اجرا قرار گیرد، همین سیاست از جانب منصور و اعضای دولت او جریان داشت و حزب ایران نوین که بر رهبری منصور و کلای فراکسیون کانون مترقی راهبری میکرد مجال بحث و اظهار نظر به مخالفین که از حزب مردم بودند نمیداد (گرفته شده از گزارش ساواک)

❖ همانطور که در دولت شیخ حسن دویاسه نفر از وزران با تصویب فوری و بدون بحث برجام مخالف بودند در کابینه منصور هم <سه نفر از وزرای کابینه آقایان دکتر عالیخانی - دکتر آموزگار و خسروانی به لایحه مزبور معترض بودند و گفته بودند تا ابد این ننگ برای حزب ایران نوین باقی خواهد ماند و پس از بازگشت اعلیحضرت همایونی از شیراز استعفا خواهند داد>

(گرفته شده از گزارش ساواک از جریان تصویب لایحه مزبور)

❖ همانطور که در مجلس شورای اسلامی کسانی گفتند که تصویب برجام کاری خلاف قانون اساسی است؛ در مجلس شورای ملی <هم آقایان رامبد و سرتیب پور و گروهی دیگر لایحه را خیانت به استقلال ایران میدانستند و سرتیب پور اعلام کرد که این لایحه خلاف قانون اساسی است>.

(گرفته شده از همان گزارش ساواک)

❖ همانطور که شیخ حسن بارها وعده داد که روزی خواهد گفت که برجام واجد چه مزایایی است و جواب مخالفان برجام را خواهد داد و تاکنون هم آن روز نیامده، در موقع تصویب لایحه مصونیت قضائی متشاران هم آقای سرتیب پور با صدای بلند میگوید <بنده گفتم این لایحه خلاف قانون اساسی است و دلیل هم آوردم ولی ایشان (منصور) فرمودند نیست و دلیل هم نیاوردند> (از همان گزارش ساواک) با این تفاوت که شیخ حسن منتقدین برجام را بابت تهدید و تحقیر کشید و منصور چنین نکرد.

❖ همانطور که برخی از نمایندگان مجلس اسلامی بابرجام مخالفت کردند و در نتیجه از پل صراط شورای نگهبان نتوانستند بگریزند و همه از ادامه نمایندگی مجلس محروم شدند، در مجلس شورای ملی هم نمایندگانی که با لایحه مصونیت مستشاران آمریکایی مخالف کرده بودند نتوانستند در مقام خود باقی بمانند که از جمله آنها مهندس بهبودی فرزند آقای بهبودی رئیس تشریفات دربار بود.

در گزارش ساواک آمده است؛ <هویدا معاون منصور در ملاقات با کاردار سفارت آمریکا در مقابل اظهار نارضایتی کاردار از تصویب ضعیف لایحه به کاردار قول میدهد که ده تن نمایندگان وابسته به حزب ایران نوین در مجلس از عضویت حزب اخراج شوند>.

❖ در همان گزارش ساواک آمده است: <از آقای صفاکیش (یکی از کارکنان مجلس) که در جریان امر بود پرسیده شد که وضع مجلس از چه قرار است او گفت: <همه وکلا غیر از وکلای ایران نوین از این موضوع عصبانی هستند ولی تصویب خواهد شد زیرا همان قرارداد کاپیتولاسیون است.>

❖ بالاخره همانطور که دولت روحانی به اعتبار تصویب برجام در مدت کوتاهی با دریافت یک میلیارد دلار و قدری بیشتر از دولت آمریکا گشایشی بدست آورد دولت منصور هم در مقابل خدمتی که به آمریکا در مورد تصویب لایحه مصونیت کرده بود، ۱۱ روز پس از تصویب لایحه موفق شد مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار از بانک بین المللی بتوصیه و تضمین آمریکا وام دریافت کند.

این تحریر میخواید گفته باشد که اگر شخصیت حسنعلی منصور از موارد قیاس باشخصیت شیخ حسن منظور نگردد، سایه عملکرد تصویب برجام و ماده واحده مصونیت مستشاران آمریکا یکسان است چون در معادله مزبور، آمریکا و طرف ایرانی و منافع مشترک است.

حربان تصویب لایحه در مجلس بیست و یکم

<لایحه مورد بحث با ۷۴ رای موافق تصویب شد در حالیکه وکلای فراکسیون کانون مترقی تحت رهبری منصور ۱۳۸ نماینده در مجلس داشت و این چنین رای ضعیفی به لایحه مزبور مورد رضایت آمریکائیان و منصور نبود. در این میان آمریکائیان که سخت آزرده و عصبانی بودند منصور را در فشار کسب علت گذاشتند و حداقل این موضوع روشن نبود که چرا اعضای فراکسیون کانون مترقی به لایحه مزبور رای موافق نداده اند.>

قسمت زیر که با خط تاکیدی مشخص شده یکی از کلیدهای نتیجه گیری است با دقت و تأمل کافی به آن عنایت بفرمائید.

<کاردار سفارت آمریکا گفت: <در گفتگوی با حسنعلی منصور وی در پاسخ به سوال کاردار در مورد مخالفین

گفته بود که <شاه مستقیماً به حزب مردم در مجلس دستور نداده بود که به مخالفت با این قانون برخیزند

(۱). نخست وزیر مصرانه در این مورد از شاه خواسته بود به نمایندگان دستوری ندهد و مسئولیت را به

خود نخست وزیر واگذار کند (۲) تا نمایندگان احساس کنند که از آزادی عمل کامل برخوردارند.

کاردار سفارت تصریح میکند که حسنعلی منصور انتظار این درجه از مخالفت را در مجلس نداشت و معتقد

بود که این نتیجه دسیسه کسانی است که با دولت او و آمریکائی ها مخالف هستند.>

(از همان گزارش ساواک)

قبل از تفسیر و نقد اظهارات کاردار سفارت آمریکا بجاست که نگاهی باتفاق به واکنشها نسبت به تصویب لایحه مصونیت مستشاران آمریکائی داشته باشیم زیرا واکنشها زمینه ساز مسئولیتها و نشانگر اهمیت موضوع است.

واکنشها به تصویب لایحه مصونیت مستشاران آمریکایی

← در پایان گزارش ساواک عبارتی است بسیار معنی دار که میتواند بنای یک قضاوت اصولی راتشکیل دهد:

> در این میان محافل سیاسی ایران واگذاری وام ۲۰۰ میلیون دلاری آمریکا رانشانه پاداش به دولت ایران به خاطر تصویب قرارداد کاپیتولاسیون تلقی کردند > تصویب این لایحه باعث بد نامی و تضعیف دولت حسنعلی منصور شد و او را احیاء گر کاپیتولاسیون دانستند.

← یک نویسنده آمریکایی بنام جیمز بیل در کتاب شیرو عقاب ترجمه مهوش غلامی در رابطه با لایحه مصونیت قضائی مستشاران آمریکا چنین نوشته است:

> کاپیتولاسیون اشتباه مصیبت باری است که منافع آمریکا را دچار مشکل خواهد نمود. این عمل ناشیانه و زشت، نشانه ای از رفتار خشن و احمقانه امپریالیسم است ولی با اینهمه ما آنقدر فشار آوردیم تا به اجرا در آمد برخلاف قرارداد کاپیتولاسیون که بیشتر در برگیرنده نظامیان بود که در فراسوی دریاها خدمت میکردند در تنظیم نوعی ایرانی آن بطور استثنائی به ایالات متحده اجازه داده شده بود تا در تمام موارد و در مورد تمام کارمندان حتی غیر نظامی تنها از حوزه قضائی خود استفاده کنند ولو اینکه افراد مسنول در آمریکا نخواهند این کار را انجام دهند. این شکل قرارداد که بین آمریکا و ایران منعقد شده بود به استثنای مواردی از آن در آلمان غربی، در هیچیک از کشورهای دیگر سابقه نداشت و خصوصاً به لحاظ کاربرد، بسیار گسترده مینمود زیرا هرگونه نظارت قانونی ایرانیان را بر گروه های آمریکائی مستقر در ایران که دائماً نیز روبه فزونی بود بی اثر و خنثی میکرد و این میتواندست به خویشان و بستگان آنها نیز بسط یابد.< (همان کتاب صفحه ۲۲۰ و ۲۲۱)

← دکتر مظفر بقائی رهبر حزب زحمتکشان اولین کسی بود که نسبت به تصویب لایحه مصونیت مستشاران آمریکائی واکنش انتقاد آمیز نشان داد؛ او در جزوه ای که بلافاصله بعد از تصویت لایحه مزبور در آبانماه سال ۱۳۴۳ تحت عنوان < کاپیتولاسیون هست یا نیست > لایحه مزبور را بدتر از قرارداد ترکمن جای نامید.

واکنش روح الله خمینی

من تاثرات خودم رانمی توانم انکار کنم. قلب من در فشار است. این چند روز که مسائل ایران را شنیدم خوابم کم شده است. ناراحت هستم. قلبم در فشار است روز شماری میکنم که چه وقت مرگ پیش میاید در عزای ما بنام جشنهای چهارم آبان چراغانی کردند و دستجمعی رقصیدند، مارا فروختند، استقلال مارا فروختند، قانونی به مجلس بردند که در آن اول مارا ملحق کردند به پی مان وین (۱)* و ثانیاً الحاق کردند پیمان وین رابه مستشاران نظامی که تماماً مستشاران آمریکائی هستند با خانواده هایشان، با کارمندان اداری شان و درسنا هم بایک قیام و قعود تصویب شد.



اینها هرجنایتی که در ایران بکنند باین قرارداد کاپیتولاسیون مصون هستند اگر یک خادم آمریکایی یا یک آشپز آمریکایی مرجع تقلید شماراوسط بازار ترروکند، زیر دست و پا له کند، منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد، دادگاه های ایران حق ندارند محاکمه کنند، بازپرسی کنند باید برود آمریکا آنجا اربابها تکلیفش را معین کنند. دولت ایران لایحه رابه مجلس برده و درسناهم بایک قیام مطلب را تمام کردند. دولت باکمال وقاحت از این قرارداد ننگین طرفداری کرده *(۲) و ملت ایران را از سگهای آمریکایی هم پست تر کرده اند. اگر چنانچه کسی سک آمریکایی را زیر بگیرد، بازخواست میشود، بزرگترین مقام را اگر زیر بگیرد کسی حق بازخواست ندارد چرا؟ برای اینکه میخواهند از آمریکا وام بگیرند و آمریکا گفت باید این کار بشود. مردم ایران هم به چنین مطلبی رای ندادند اینها نمایندگان ما نیستند.

علمای ایران، ای مراجع اسلامی، ای تهران، ای شیراز، ای نجف، ای قم، ای تهران، ای مشهد من با این قراردادی که با آمریکا بسته اند مخالفت میکنم. آخرین بدبختی است که یک آشپز آمریکایی از یک ارتشبد ایران بالاتر است خدایا اینها راکه برقرآن خیانت میکنند نابود کن.

* (۱)- در اعتراض خمینی هم عهدنامه وین (عهدنامه مصونیت دولتها) و هم لایحه قانونی مصونیت قضائی مستشاران آمریکایی در ایران مورد اعتراض قرار گرفته است. در حالیکه عهدنامه وین در تمام مدت حاکمیت جمهوری اسلامی به اعتبار خود باقی است و جمهوری اسلامی حسب آن عمل میکند.

* (۲)- در اعتراض خمینی به لایحه مصونیت مستشاران آمریکایی در ایران و نیز عهد نامه وین تنها دولت وقت مسئول شناخته شده است.

مسئولیت شاه و دولت در لایحه مصونیت قضائی مستشاران آمریکائی

شاید تنها و یا کمتر موردی در تاریخ مشروطیت ایران باشد که نخست وزیری مسئولیت یک جریان مملکتی را بخود منتقل کند و این کاری است که از حسنعلی منصور بهنگام تصویب لایحه مصونیت مستشاران آمریکائی سرزده است. در حالیکه غالباً وزرا و یا نخست وزیران نه بطور صریح بلکه در حالت ضمنی مسئولیت تصمیمات متخذ و نتایج حاصله از آنها به گردن شاه میدانداختند و با بکار بردن عبارت <حسب الامر> و توسل به <گزارش شرفعرضی> شاه را مسئول و خودشان را مامور به حساب میآوردند.

ما ایرانیها یکی از خصالت های خاص خودمان همین از زیر بار مسئولیت فرار کردن و آنرا به گردن دیگران انداختن است؛ اصطلاحات <بما چه مربوط است - از یک گل بهار نمیشود> همه ناشی از استقبال ما ایرانیان از سلب مسئولیت از خود و توجه دادن آن به دیگران است.

اما شهادت کاردار سفارت آمریکا

در قسمت نخست این تحریر به استناد گزارش ساواک به اظهارات کاردار سفارت آمریکا در رابطه با رای ضعیف مجلس به لایحه مصونیت قضائی مستشاران آمریکائی اشاره شد؛ مقصود همان است که باخط تأکیدی مشخص و تقاضای عنایت نسبت به آن گردید.

اکنون با نقد آن شهادت در رابطه با مراتب مسئولیت تصویب و اجرای لایحه مصونیت قضائی مستشاران آمریکائی به باب مسئولیت شاه و دولت در مورد تصویب و اجرای آن لایحه وارد میشویم.

✚ اهمیت شهادت کاردار از این جهت پایگاه محکمی در موضوع دارد زیرا نه حسنعلی منصور کسی بوده که به کاردار سفارت آمریکا خلاف واقع بگوید و نه کاردار نفعی برای کشورش متصور بوده که از نقل قول منصور امتناع نماید خاصه که در گزارشات ساواک و همچنین مسنول انتظامات مجلس آمده است که در تمام مدت بحث درباره لایحه مزبور در مجلس، افرادی از سفارت آمریکا در بین تماشاچیان حضور داشته اند و منصور میدانسته که آمریکائیه در جریان مذاکرات مخالفت و موافق هستند و نباید خلاف بگوید.

✚ (۱) عبارت منصور به اینکه >شاه مستقیماً به حزب مردم در مجلس دستور نداده بود که به مخالفت با این قانون برنخیزند< بیان کننده دو حقیقت است:

حقیقت نخست اینکه شاه علاقه ای به تصویب لایحه مزبور نداشته است و اگر علاقمند بود حسنعلی منصور آنرا درک مینمود و از طرفی لازمه علاقمندی به موضوع اقدام برای زمینه سازی تصویب طرح هم میبود که از جمله، معطوف ساختن آگاهی حزب مردم به علاقمندی شاه به تصویب لایحه مزبور بود که منصور درست خلاف آن گفته است.

حقیقت دوم اینکه شاه در جریان تصویب لایحه مزبور بنا بر درخواست حسنعلی منصور در کنار اعتقاد شخصی خودش، در امر تصویب لایحه مزبور دخالتی نداشته است.

✚ (۲) درخواست حسنعلی منصور از شاه دائر بر اینکه مسئولیت رابه نخست وزیر و اگذار کند نشان میدهد که نخست وزیر حسنعلی منصور مسنول جریان تصویب و اجرای لایحه مصونیت بوده است.

در باب توجه مسئولیت به شاه بطور کلی این نکته رعایت کردنی است که مسئولیت در پهنه توجه قانون حرکت میکند و در حالیکه پادشاه در متمم قانون اساسی از مسئولیت مبرا است صیغه مسئولیت نسبت به امور مملکتی نمیتواند برپادشاه جاری گردد. چون مسئولیت، متوجه حق است و حق نمیشود که نابه سامان باشد و باید در مجرای قانون احقاق حق بشود متمم قانون اساسی مشروطیت، وزیران را مسنول اجرای دستورات، علانق و نظرات شاه شناخته است.

متأسفانه در فرهنگ ایرانی به هیچوجه به اصل مسئولیت و مبانی قانونی و حقوقی آن اعتنای لازم نمیگردد.

در حدی که ضمن توجه و امید عامه مردم به شاه همه گرفتاری های حتی شخصی خود را هم متوجه شاه میدانند.

مخبرالسلطنه هدایت نوشته است: <صبح روزی پیرمردی را دیدم که قدری نان زیر بغلش بود و مدام به شاه بد میگفت؛ علت پرسیدم گفت نانوا بمن نان خریداری ام را کم داده است>

مسئولیت دولت در لایحه مصونیت قضائی مستشاران آمریکائی

دولت در رابطه با مسئولیت نظری و احساسی، همواره نسبت به همه مردم و همه مسائل اجتماعی و اقتصادی مسئول است ولی از نظر حقوق سیاسی داخلی این چنین مسئولیتی بی اعتبار است.

تاقبل از مشروطیت توجه جامع مسئولیت به دولت درست بود ولی از بعد مشروطیت و حق قانونگراری به مردم دیگر صفحه مسئولیت دگرگون شده است و مسئولیت دولتها تنها در اجرای درست و کامل قوانین است نه تصویب لوایح. در مورد لایحه مصونیت قضائی مستشاران، دولت منصور موظف به اجرای درست لایحه است نه تصویب و یا عدم تصویب آن.

تصویب لایحه از حقوق مجلس و وکلای مردم بوده است که ضعیف و یا قوی به آن رای داده اند و با همین رای حرف بردار، صیغه مسئولیت از جریان توجه حتی به وکلای مجلس هم ساقط میشود.

دولت منصور به علی، آنطور که گفته شده نیاز مالی دولت به پول داشته و کشوروام دهنده شرط وام را تحصیل حق مصونیت قضائی برای مستشاران خود دانسته است. اگر دولت روحانی بدون موافقت مجلس به چنین کاری دست میزد البته که نقض قانون اساسی و در مسیر مسئولیت حقوقی قرار میگرفت ولی در حالیکه آنرا محول اجازه مجلس کرده است با همه علاقه ای که بتصویب آن داشته معهذا مسئولیتی متوجه دولت نیست.

در مشروطیت خیر و صلاح مردم به خود مردم محول است نه دولت و شاه. دولت مجری مصوبات مجلس است و در تطبیق مورد، دولت منصور مکلف به اجرای درست لایحه است هر چند که در عمل با محظورات و مخالفت های اصولی روبرو شود.

به همین دلیل می بینیم که با همه مخالفت ها و مقالات تند، قانون مزبور در تاریخ ۱۳۴۳/۷/۲۵ از سوی مجلس به دولت ابلاغ و دولت نیز آنرا به وزارتخانه های دادگستری، کشور و امور خارجه ابلاغ نمود و وزارت کشور موظف گردید اسامی افراد آمریکائی مشمول قانون را به مراجع لازم ارسال دارد.

بها نه اعتراض موجه

اعتراضی که متوجه لایحه مصونیت قضائی مستشاران آمریکائی میشد از دو جهت نشأت میگرفت یکی احساسات میهن پرستی و دیگری که خمینی رهبری آنرا داشت ناشی از سیطره مسلمانان بر کفار بود که نص صریح قرآن است.^۲

این تحریر می خواهد گفته باشد که منتقدین و استیضاح کنندگان دسته نخست بیش از آنکه به منطق و مبانی اعتراض خود متکی باشند موضوع لایحه مورد بحث را بهانه ای برای مخالفت با دولت انتخاب کرده بودند چنانکه حتی بعد از برکناری رژیم سلطنتی ایران و حتی گذشت سالها بمناسبت ادامه مخالفت

^۲ - خمینی این کار را به اشاره انگلستان و روسیه انجام میداد ولی قرآن را سپر بلا میکرد. ح-ک

آنها با رژیم سلطنتی، همچنان بهانه تصویب لایحه مصونیت قضائی مستشاران آمریکائی را در آستین خود داشتند.

از آنجا که اعتراضات گروه مذهبی به رهبری خمینی مبنای قرآنی داشت این تحریر برای اثبات اینکه تصویب لایحه مصونیت مستشاران آمریکائی مغایرتی با اسلام نداشته است، ورود به آنرا لازم میدانند.

عدم مخالفت لایحه مورد بحث با حقوق اسلامی

قرآن در آیاتی از جمله ۲۹ سوره توبه اهل کتاب (ادیان مسیحی و یهودی) را مکلف کرده که یا باید اسلام بیاورند و یا مسلمانان با آنها جنگ کنند و یا **جزیه** بدهند.

اجرای این اصل اسلامی از آغاز صدر اسلام در همه کشورهای اسلامی از جمله ایران جریان داشته است و کیفیت اجرائی آنها به این قسم بوده که هرگاه پیروان ادیان اهل کتاب میخواستند که در سرزمین مسلمانان سکونت کنند و یا با آنها مراوده و کار و کسب داشته باشند باید **جزیه** بدهند. جزیه هم مبلغی بود که دولت اسلامی رقم و کیفیت پرداخت آنرا تعیین مینمود و در قراردادی که بین حاکم اسلامی و اهل کتاب به امضا میرسید تمام شرائط از هر جهت و هر بابت معین میگردد* (۱)

در ایران قرارداد جزیه تازمان رضاشاه کبیرجاری بود در زمان ناصرالدین شاه یکی از بازرگانان زرتشتی موفق شد در سفر ناصرالدین شاه به لندن با وساطت پادشاه انگلستان حکم لغو جزیه در مورد زرتشتیان را از ناصرالدین شاه دریافت کند ولی اعمال جزیه همچنان تازمان رضاشاه کبیرجاری بود که لغو جزیه از اقلیت های دینی طی قانونی عملی گردید و بنوشته تاریخ پامردی داور و دکتر لقمان نماینده کلیمیان سبب این کار مهم گردید* (۲)

لایحه مصونیت و قرارداد جزیه

* (۱)- قرارداد استخدامی مستشاران آمریکائی در ایران و تفویض حق مصونیت قضائی به آنها میتواند از نظر ضوابط حقوق اسلامی عقد جزیه محسوب شود؛ بدین معنا که طرف آمریکائی که اهل کتاب هم بوده (مسیحی) برای اینکه تحت استخدام دولت شاهنشاهی ایران قرار گیرد نیاز به تامین امنیت داشته است زیرا کشور اسلامی ایران و مسلمانان آن حق داشته که آن مستشاران آمریکائی را بکشند (نگرانی آمریکائیهها ناموجه هم نبوده دیدیم که سه نفر از آنها را مجاهدین خلق ترور کردند) و یا آنها به اسلام در آیند بنابراین مستشاران آمریکا ناچار به قرارداد جزیه بوده اند تا هم حقوق اسلامی رعایت شده باشد و هم آنها بتوانند در خدمت ایران قرار گیرند.

لایحه مصونیت نوعی قرارداد ذمه است که ایران در قبال دریافت ۲۰۰ میلیون دلار وام به آنها امنیت قضائی برای یکسال میدهد و ماهیت قرارداد و ضمانت آن هم طوری بوده است که ایران میتواند هر زمان که بخواهد قرارداد استخدامی مستشاران را لغو کند.

کجای عمل انجام شده از سوی دولت شاهنشاهی وقت ایران خلاف اسلام تلقی میگردد؟

فقه اسلامی قرارداد جزیه را به امضای رئیس کشورشاه که اولی الامر شناخته میشود (قرآن) ویا نماینده شاه که نخست وزیراست مقرر کرده که عینا در قرارداد جزیه بین مستشاران آمریکا ودولت منصور رعایت شده است.

درباب اهمیت و اعتبار همان لایحه مصونیت میتوان به نظریه یکی از فقهای معروف اسلامی رجوع کرد که میگوید: «قرارداد حکام جابر را باید صحیح و معتبر شمرد و این حکم شامل صورتی میگردد که فاقد شرائطی باشد که بمنزله رکن و اساس قرارداد جزیه میباشد. (جواهر کلام صفحه ۲۷۶)

شخص خمینی هم در کتاب تحریر الوسیله خودش گفته است:

«هرگاه حاکم ستمکاری عقد جزیه را با کفاری تنظیم کند بر ماست که آثار صحت بر آن بارکنیم».

(جلد دوم صفحات ۴۹۸ و ۴۹۹)

نتیجه اینکه برفرض ادعای نادرست خمینی مبنی بر طاغوت بودن حکومتهای زمان شاه باز هم همان لایحه و قرارداد جزیه ای که دولت منصور با مستشاران آمریکایی تنظیم کرده اسلامی بوده است.

** (۲)- به حکایت تاریخ ایران بموازات سفر ناصرالدین شاه بنابر درخواست و وساطت پادشاه انگلستان تعلق جزیه به زردشتیان متوقف شد. این اقدام ناصرالدین شاه که کاملا خلاف اسلام تلقی میشود هیچگاه مورد اعتراض علمای شیعه قرار نگرفت و همچنین تصویب قانون منع تعلق جزیه به بیگانگان که در زمان رضاشاه کبیر بتصویب مجلس رسید با وجود علما و مراجع مقتدر وقت کوچکترین اعتراضی بعمل نیامد.

۳

این نمونه ها میتواند اجازه ضمنی تلقی گردد که هرگاه مصالح جامعه اسلامی اقتضا کند میتوان از اخذ جزیه از آنان خودداری کرد یعنی رابطه همکاری آنها را پذیرفت ولی بدون داشتن قرارداد جزیه و یا به درخواست آنان مصونیت قضائی داد.

بموجب آیات ۲۱ و ۲۴ سوره (ص) و تفسیر متعلق به آن «سکنه بزرگ اسلامی خواه مسلمان باشد و خواه کافر ذمی باید بطور کامل و همه جانبه احکام و حدود و تعزیرات اسلامی را گردن نهند حتی کسانی که بعنوان اقامت موقت از دولت اسلامی اذن و امان گرفته اند که مدتی را به خاطر ماموریت سیاسی و یا اقتصادی و یا نظامی و یا غیره در کشور اسلامی بمانند، هیچگونه مصونیتی از نظر شرعی نمیتوانند داشته باشند و هر جرم و جنایتی که احتیانا مرتکب شوند همچون سایرین مستوجب کیفر خواهند بود. (حقوق جزای اسلامی دکتر فیض اللهی صفحه ۱۱۱)

در حالیکه قرارداد وین که ایران هم عضویت آنرا دارد و موضوع آن تفویض مصونیت قضائی و سیاسی به مامورین کشورهای خارجی است و در تاریخ ۲۸ آوریل ۱۹۶۱ بتصویب کلیه کشورهای رسیده برخلاف آیات قرآن و حقوق جزای اسلامی است و حتی جمهوری اسلامی بعد از به قدرت رسیدن، آن قانون را کاملا محترم شناخته است و نیز در مرافعه اخیر بین ایران و آمریکا در مورد توقیف اموال بلوکه شده ایران توسط

۳ - ملاحظه میشود چون زرتشتیان بصورت باغبان، راننده و آشپز در سفارت انگلستان مشغول بوده و چه بسا گزارش های محرمانه را به آگاهی سفارت علیه انگلستان میرسانده اند با سفارش دولت بریتانیا معاف میشوند و اسلام هم اعتراضی ندارد ولی همان اسلام به اشاره انگلستان توسط خمینی به لایحه مستشاران آمریکایی اعتراض میکند. ح-ک

آمریکا، جمهوری اسلامی به همان قرارداد وین استناد کرده است. اعتراض کشور عربستان سعودی به ایران در رابطه با حمله ایرانیان به سفارت آن کشور به اعتبار همین قرارداد وین بوده است.

کشور عثمانی که از بزرگترین کشورهای مقتدر و اسلامی وقت بوده در سال ۱۵۳۵ در زمان پادشاهی سلیمان پاشا حقوق کامل کاپیتولاسیون را به ملت فرانسه به پادشاهی فرانسوی دوم داد که از جمله آن حقوق قضاوت کنسولی یعنی تعقیب کیفری فرانسویان مقیم ایران طبق قوانین فرانسه و زیر نظر کنسول فرانسه در ایران اجرا میشد.

آیا سلطان عثمانی که خلیفه وقت مسلمانان شناخته میشد به قوانین شرعی و حکم قرآن آگاه نبود؟ اساساً مسئله کاپیتولاسیون را سلطان عثمانی بوجود آورد که در سال ۱۷۴۰ در قوانین عثمانی پیاده شد و از آنجا بود که در قرارداد ترکمانچای وارد گردید.

قبل از سلطان اسلامی عمر خلیفه دوم اسلامی در سال ۶۸۳ میلادی راهبانان یونانی مقیم فلسطین را از تبعیت قوانین محلی که همگی یکدست اسلامی بود معاف ساخت.

شاه عباس کبیر که در تعصبات مذهبی او کمتر حرفی است و هر اقدام اداری او مستلزم کسب اجازه از مراجع اعظم وقت بود. یعنی فرامین شاه منظم به فتاوی مراجع بود (تاریخ ایران ۵۴۹) در زمان سلطنت خود به اتباع انگلیسی اجازه داده بود که هنگام مرتکب جرم بوسیله سفرای کشور خودشان محاکمه شوند و افزون بر آن مصونیت جان و مال و مذهب هم به آنها اعطاء کرد بسال ۱۶۰۰.

پس از شاه عباس هم شاه صفی و سایر شهریاران ایران همان قرار شاه عباس که کاپیتولاسیون بعلاوه مصونت جان و مسکن میشد (قانون مصونیت سیاسی کنونی) راتانید کردند.

آیا امثال مجلسی که شیخ الاسلام و صدر الصدور وقت بود و قدرت قضائی و سیاسی کشور را در ید قدرت خود داشتند نمیدانستند که کاپیتولاسیون و دادن امنیت جان و مالی به کفار خلاف اسلام است؟

در سال ۱۷۰۸ لونی میشل نماینده لونی چهاردهم (پادشاه فرانسه) با شاه سلطان حسین صفوی قراردادی تنظیم نمود که به عینه قرارداد کاپیتولاسیون فرانسه و سلطان عثمانی است و آن زمان درست بحبوحه قدرت مذهبی شیخ باقر مجلسی است؛ که شاه سلطان حسین بدون اجازه و صلاحدید مذهبی اقدامی نمیکرد. آیا میتوان گفت که آنها از کاپیتولاسیون و مخالفت شرع با آن بی اطلاع بودند و فقط خمینی بود که آنرا خلاف شرع میدانست.

همانطور که آگایید قرارداد کاپیتولاسیون بموازات قرارداد ترکمانچای به ایران در سال ۱۸۲۸ تحمیل شد. چه در زمان تحمیل قرارداد ترکمانچای تا زمان مشروطیت که ۷۹ سال فاصله است و حتی در دوران ۲۰ ساله مشروطیت هیچیک از وکلای مجلس و روحانیونی مانند مدرس، کاپیتولاسیون را محکوم نکردند و خواستار توقف و لغو قرارداد ترکمانچای نگردیدند تا اراده رضاشاه کبیر با وضع قانون، کاپیتولاسیون را لغو کرد.

حاشیه - ششم اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ قضات جدید داد گستری که تحصیلات حقوقی جدید رداشتند در دیدار بارضا شاه، دستخطی از سوی رضا شاه، مبنی برالغای کاپیتولاسیون خطاب به رئیس الوزرای وقت حسن مستوفی المالک صادر نمود که متن آن چنین است:

جناب آقای رئیس الوزراء

در این موقع که تشکیلات جدید عدلیه شروع میشود لازم میدانم اراده خود را درباب الغای

کاپیتولاسیون که اهمیت آن از نقطه نظر حفظ شئون و حقوق مملکت دارای کمال اهمیت

است خاطر نشان هیئت دولت نمایم که از طرف دولت موجهات عملی شدن آن فراهم

گرد و بنا بر این جناب اشرف مامور است که موجهات اجرای این مقصود را فراهم سازند

رضیله پهلوی

پس از صدور این فرمان کفیل وزارت امور خارجه وقت موضوع ر ا به اطلاع وزرای مختار دول خارجی رسانید. (پایان حاشیه)

مصلحت ملی

ما نمیدانیم که مذاکرات بین مسنولین وزارت جنگ و وزارت خارجه و هیئت دولت شاهنشاهی ایران چه بوده و مناسبت های اقتصادی و سیاسی که پای مصونیت قضائی مستشاران آمریکائی را پیش کشیده که منجر به تنظیم لایحه مزبور و تسلیم آن به مجلس شورای ملی چه بوده ولی آنچه که بهر حال متبادر به ذهن است مسئله مصلحت ملی بوده است.

گاه برای رفع مخمصه های بزرگ و حفظ استقلال و منافع کشور تصمیماتی اتخاذ میگردد که بنظر کسانی که در متن جریانات نیستند پسندیده نمیاید ولی مصلحت مملکت بالاتر از این نوع احساسات است.

دیدیم که دولت ریگان بنا بر مصلحت ملی آمریکا علیرغم قانون تحریم ارسال اسلحه به جمهوری اسلامی به ارسال اسلحه به جمهوری اسلامی مبادرت کرد و در محاکمه الیورنورث چیزی که اصلا مورد اعتراض دادگاه قرار نگرفت همان شکستن قانون از طرف دولت آمریکا بود. ←

دیدیم که دولت فرانسه علیرغم قانون منع معامله با آدم ربایان به کرات به آدم ربایان باج داد وگروگان هایش را آزاد کرد.

در صدر اسلام نیز تجاوز به حق و اصول در رابطه با مصلحت جامعه موارد عدیده دارد از آن جمله است مسئله خالد بن ولید سردار معروف اسلام که مرتکب جنایت و بریدن سر مالک بن نویره و تجاوز به زن او شده بود، بنام مصلحت مسلمین خلیفه وقت اسلام (ابوبکر) حدی برای او جاری نساخت.

شخص خمینی اقتدار حکومت را تا آنجا دانسته که میتواند مساجد را تعطیل و یا خراب کنند و میتواند تصمیم بر تعطیل واجبات دین بگیرد و میتواند قرارداد هارایک جانبه لغو کند.

(فتوای خمینی به علی خامنه ای کیهان ۱۸۳)

ولایت فقیه اگر بخواهد میتواند حکم تعطیل توحید را صادر کند و یگانگی پروردگار را در ذات و یا پرستش محکوم و به تعطیل اعلام دارد. ولی فقیه، تنها این نیست که صاحب اختیار بلامعارض در نفوس و اموال می باشد بلکه اراده او حتی میتواند در توحید و شرک ذات باری تعالی نیز موثر باشد.

نتیجه آنکه مصلحت ایران در آن سالها ممکن است بر این پایه بوده که به اعتبار نیازی که دولت به آن مستشاران داشته، دولت لایحه مزبور را به مجلس برده و بعد از تصویب مجلسین و توشیح شاه به اجرا گذاشته است. آیا شاهنشاه ایران میتواند از توشیح آن قانون امتناع کند و با صراحت قاطع اصل ۴۹ متمم جلوی آن را بگیرد؟ مسلما خیر.

> آری حکومت امروز حق دارد مساجد را خراب، قراردادهای مردم را یکطرفه فسخ و باطل کند (مقصود اسناد مالکیت مردم و انتقال آنها به حکومت غاصب جمهوری اسلامی است)، نماز و روزه را تعطیل کند، از دختران در زندان ازاله بکارت کند، اموال مردم و موزه هارا غارت کند، زندان هارا مملو وگورستان ها را متراکم و وسعت بخشد، جوانها را خام و به اغوای بهشت وکلید آن، گله، گله بروی مین های عراقی اعزام کند، کشور را بیاد دهد، ایران را به ویرانه غیر قابل علاج مبدل سازد و برخلاف صراحت قرآن به کشورهای کفر و حکمیت آنها متوسل شود (قطعه نامه ۵۹۸).....

ولی اگر حکومت آن روز بنا بر تجویز مجلس شورای ملی یعنی نمایندگان مردم به چند مستشار نظامی آمریکایی امتیاز حقوقی داد اینهمه قشقرق و اتهام آنها برای شاهی که به غیر از توشیح آن قانون که تکلیف اجباری و قانونی و بلا تاخیر اوست براه انداخته شود؟

بر اخوندهای حاکم بر ایران حرجی نیست اما بختیارها چرا؟ آنجا که مسئله ساختن ایران و پیشرفت های کشور مطرح است گفته و ادعا میکنند که >پهلوی ها کاری نکرده اند جبر زمان ایجاب میکرد که این کارها بشود.<

آنجا که مسئله نجات آذربایجان مطرح است میگویند >شاه و ارتش کاری نکردند مردم خودشان آذربایجان را نجات دادند.<

ولی آنجا که لایحه مصونیت مستشاران نظامی رادولت تهیه کرده و مجلسین آنرا تصویب کرده میشود کاپیتولاسیون و برگشت آن بوسیله شاهنشاه ایران ۱۰ ها سال است که مکرر در مکرر از این بی حرمتی و دشمنی دست برنمیدارند و مینویسند >بله، کاپیتولاسیون را چه میگوئید؟ بله محمد رضا شاه فتحعلیشاه راهم روسفید کرد<

(گرفته شده از صفحه آخر همان سنگر)